

روی کرد امام ابوحنیفه در قبال اعتدال و میان‌روی



نگارنده: فضل احمد احمدی*

چکیده

بحث اعتدال و میان‌روی، یکی از اساسی‌ترین مفاهیم رایج و مورد نیاز جوامع بشری است. گروه‌ها و مکتب‌های مختلفی در این زمینه بحث و رویه‌های ویژه خود را اتخاذ کرده‌اند؛ به تعبیر عده‌یی در میان مذاهب چهارگانه اهل سنت، مذهب حنفی، معتدل‌ترین مذهب به‌شمار می‌رود؛ اما عملاً این فرض با روی کرد فعلی احناف، چندان انطباق ندارد. حال مسأله اساسی این است که شخص امام ابوحنیفه چه روی کردی در قبال اعتدال و میان‌روی داشته است، آیا می‌توان اعتدال و میان‌روی را از لابه‌لای اندیشه‌های وی فرا چنگ آورد و به این نتیجه رسید که روی کرد ایشان اعتدال و میان‌روی بوده و اکنون پیروان مذهب حنفی از این مسیر منحرف شده‌اند؟ بنابراین، این پژوهش در پی یافتن پاسخ به این پرسش بوده است که: امام در قبال اعتدال و میان‌روی چه روی کردی داشته است؟ با استفاده از روش نظری، داده‌های کتاب‌خانه‌یی تحلیل و توصیف شده است. در نهایت، این نتیجه به دست آمده است که: امام ابوحنیفه چه در قبال مسائل سیاسی و چه در برابر موضوعات فقهی، در همه زمینه‌ها اعتدال و میان‌روی را پیشه خود کرده بود. نمونه‌ها در باب سیاست مسأله تجلی سیادت و سروری دولت در امام مسلمانان و در باب قواعد فقهی، مسائل آسان‌گیری در عبادات و معاملات، رعایت حال فقیر و ضعیف در زکات و صدقات و غیره، صحیح‌دانستن تصرفات انسان تا حد امکان، رعایت حرمت و کرامت انسانی و... از مواردی‌اند که بیان‌گر اعتدال و میان‌روی امام ابوحنیفه را نشان می‌دهند.

واژه‌گان کلیدی: امام ابوحنیفه، اعتدال و میان‌روی، روی کرد، عقل‌گرایی.

Imam Abu Hanifah's Approach towards Moderation



Author: Fazal Ahmad Ahmadi*

Abstract

The discussion of moderation is one of the most common and necessary concepts in human societies. Different groups and schools have adopted their own special procedures in this field. According to some people, among the four Sunni religions, Hanafi religion is considered the most moderate; but practically, this assumption is not very compatible with the current approach of the Hanafs. Now, the main issue is, what was Imam Abu Hanifa's approach towards moderation, can moderation be caught from the side of his thoughts? He came to conclusion that his approach was moderation, and now the followers of the Hanafi religion have deviated from this path. Therefore, this research sought to find an answer to this question of what Imam's approach to moderation was. Using the theoretical method, library data has been analyzed and described. Finally, this conclusion has been reached that: Imam Abu Hanifah had shown moderation in all fields, whether in front of political issues or jurisprudential issues. Examples regarding politics, the issue of the manifestation of the sovereignty and sovereignty of the state in Muslim imam, and regarding jurisprudence, the issues of making things easier in worship and transactions, respecting the status of the poor and weak in zakat and charity, etc... are among the cases that show Imam Abu Hanifah's moderation.

Keywords: Imam Abu Hanifah, Moderation, Approach, Rationalism.

* Member of Law and Political Science faculty, Hariwa Institute of Higher Education, Herat, Afghanistan (Fazalahmadahmadi@gmail.com)



۱. مقدمه

جامعه بشری با نیازهای متعددی به حیات خویش ادامه می‌دهد. در میان این نیازها، اعتدال و میانه‌روی یکی از اساسی‌ترین آن‌ها است. گروه‌ها و مکتب‌های مختلفی در این زمینه بحث و رویه‌های ویژه خود را اتخاذ کرده‌اند؛ تا جایی که عده‌ی میانه‌روی را ناشی از فطرت انسان دانسته و تعدادی دیگر، برعکس تشدد و تندروی را فطرت انسان می‌دانند. در میان مکتب‌های حقوقی - فقهی نیز جدل وجود دارد و همچنان پابرجا است؛ اما این جدل نسبت به هر مکتب دیگر، در مکاتب فقهی از اثرگذاری بیش‌تر و به‌تری بهره‌مند است؛ زیرا موضوع با اعتقاد و باورهای دینی عجین می‌شود و آن‌گاه روی کرد بیش‌تر از این که عقلانی باشد، روایی و عقیده‌وی می‌شود. باتوجه به این مطلب، به تعبیر عده‌ی در میان مکاتب (مذاهب) چهارگانه اهل سنت، مذهب حنفی معتدل‌ترین مذهب به‌شمار می‌رود؛ با این حال، عملاً این فرض با روی کرد فعلی احناف چندان انطباق ندارد. حال مسأله اساسی این است، که شخص امام ابوحنیفه چه روی کردی در قبال اعتدال و میانه‌روی داشته است؛ آیا می‌توان اعتدال و میانه‌روی را از لابه‌لای اندیشه‌های وی فراچنگ آورد و به این نتیجه رسید که روی کرد ایشان اعتدال و میانه بوده و اکنون پیروان مذهب حنفی از این مسیر منحرف شدند؟

اهمیت این مسأله زمانی بیش‌تر نمایان می‌شود که نیاز به اعتدال و میانه‌روی هر روز بیش‌تر از دیروز احساس می‌شود؛ چنان که تعداد زیادی نبود اعتدال و میانه‌روی را مایه همه بدبختی‌ها می‌دانند و گسترش تشدد و تندروی را ناشی از بی‌اعتدالی می‌شمارند؛ حتا تعداد دیگری به این نظر اند که اعتدال و میانه‌روی اساس اکثریت مکاتب حقوقی - فقهی، به‌ویژه مکتب حنفی را تشکیل می‌دهد؛ اما عده‌ی از پیروان آن بدون توجه به این بنیان، مسیر منحرفی را اتخاذ کرده‌اند، که دور از اعتدال و میانه‌روی است.

در مورد پیشینه تحقیق، کتاب و مقاله مشخصی در این زمینه در حوزه زبانی ما در دسترس نیست، یا حداقل نگارنده نتوانسته بیابد؛ با این حال، تعدادی از آثار به زبان عربی در مورد اعتدال در اسلام به چشم می‌خورد؛ مانند کتاب «لوسطیه فی الإسلام» تألیف عبدالرحمن حسن. هم‌چنین عده‌ی از نویسندگان مقالات و نوشته‌های پراکنده‌ی در سایت‌های^۱ اینترنتی دارند؛ مانند مقاله عبدالحفیظ منصور، در روزنامه پیام آفتاب تحت عنوان «میانه‌روی به جای افراط‌گرایی مذهبی» و مقاله مهران موحد در سایت بی‌بی‌سی، زیر عنوان «ضرورت احیای حنفیت برای مقابله با جریان تکفیری در افغانستان»؛ و مقاله‌ی از کمال‌الدین حامد، زیر عنوان «گرشی بر جای گاه میانه‌روی و اعتدال در اسلام»، در سایت خبرگزاری جمهوری؛ یا مقاله عبدالشهید ثاقب، تحت عنوان «تنوع

^۱ برای مشاهده و زمان انتشار مقالات در سایت‌های اینترنتی، از طریق فهرست منابع به سایت مربوطه رجوع کنید.

فرهنگی؛ خط فاصل حنفيّت با سلفيت» در سايت بی‌بی‌سی؛ هم‌چنين مقاله‌ی تحت عنوان «امام ابوحنيفه و مبارزه با استبداد سياسی»، از سوی نویسنده حاضر، در شماره سی‌ونهم، فصل‌نامه علمی-پژوهشی غالب (زمستان ۱۴۰۱) به چاپ رسیده است، که در این زمینه اشاراتی دارد. با این حال، هیچ‌یک از این مقالات به گونه مشخص روی کرد امام ابوحنيفه و پیروان وی را در زمینه اعتدال مورد کاوش قرار نداده اند.

این پژوهش که به بررسی این مطلب می‌پردازد، در پی یافتن پاسخ به این پرسش است، که امام ابوحنيفه در قبال اعتدال و ميانه‌روى چه روی کردی داشته است؟

با استفاده از روش نظری به کمک منابع کتاب‌خانه‌ی داده‌ها توصیف و تحلیل گردیده و این نتیجه به دست می‌آید که: امام ابوحنيفه چه در قبال مسائل سياسی و چه در برابر موضوعات فقهی، در همه زمینه‌ها اعتدال و ميانه‌روى را پیشه خود کرده دانسته است. نمونه‌های در باب سياست، مسأله تجلی سیادت و سرورى دولت در امام مسلمانان و در باب قواعد فقهی مسائل آسان‌گیری در عبادات و معاملات، رعایت حال فقير و ضعيف در زکات و صدقات، صحیح‌دانستن تصرفات انسان تا حد امکان، رعایت حرمت و کرامت انسانی و...، از مواردی‌اند که بیان‌گر اعتدال و ميانه‌روى امام ابوحنيفه را نشان می‌دهند.

۲. مفهوم اعتدال

مذهب حنفی به‌عنوان یکی از مذهب‌های حاکم و دارای بیش‌ترین پیروان اهل سنت، با تشدد و تندروی سازگاری ندارد؛ بل که همیشه ميانه‌روى را مَنش اصلی خویش قرار داده و مطابق با آن خطامشی و مسیر تعالی خویش را توسعه داده است. ميانه‌روى در اسلام یک اصل است. خداوند می‌فرماید: «شما را اُمت ميانه قرار دادیم» (البقره: ۱۴۳)؛ یعنی در حد اعتدال، میان افراط و تفریط. در جای دیگر از زبان حضرت لقمان به پسرش می‌گوید: «در راه رفتن خویش ميانه‌روى (اعتدال) را پیشه کن و از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد نزن)» (لقمان: ۱۹)؛ هم‌چنین خداوند در سوره حُجرات می‌فرماید: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یک‌دیگر را بشناسید؛ (این‌ها ملاک امتیاز نیست) گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تفاوت‌ترین شما است؛ خداوند دانا و آگاه است» (حجرات: ۱۳). در جای دیگر می‌فرماید: «و کسانی که هرگاه اتفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بل که در میان این دو، حد اعتدالی دارند» (فرقان: ۶۷). در سوره دیگر می‌فرماید: «هرگز دست را بر گردنت زنجیر مکن (و ترک انفاق و بخشش منما) و بیش از حد (نیز) دست خود را مگشای، تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی!» (اسراء: ۲۹). در سوره اعراف در مورد افراط در خوردن و آشامیدن می‌فرماید: «ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن

به مسجد، با خود بردارید! و (از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید؛ ولی اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کننده‌گان را دوست نمی‌دارد!» (اعراف: ۳۱).

در دین اسلام، هنگام وقوع مخاصمات نیز از خشونت و تندروی نهی شده است؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی؛ و بر خدا توکل کن، که او شنوا و دانا است» (انفال: ۶۱). صلح در این مفهوم به معنی داشتن روابط مسالمت‌آمیز است و این روابط جز در رفتار میانه و اعتدال میسر نیست. در همین زمینه، یعنی میان‌رویی و دوری‌جستن از افراط و سخت‌گیری در حدیث متفق علیه از پیام‌بر صلی‌الله‌علیه‌وسلم روایت است که فرمودند: «بر مردم آسان بگیرید و از سخت‌گیری پرهیز نمایید، مردم را تشویق کنید، به آنان مؤدبه سعادت و خوش‌بختی بدهید، از متنفرساختن افراد برحذر بوده و با هم متفق و در اطاعت هم باشید» (عبدالباقی، ۱۳۹۱: ۲/۲۵۸).

این میان‌رویی یا وسطیت از نظر علما عبارت از: حالت پسندیده و برآمده از عقل سلیم و فطرت است، که مانع از گرایش به افراط و تفریط می‌شود؛ پس در مقابل وسطیت افراط و تفریط قرار می‌گیرد. این دو اصطلاح به صورت کلی به معنای پافراتر گذاشتن از مقاصد شریعت است. در واقع این اعتدال، توازن در وجود و خودیابی مسلمانان و حفظ خویش از آفت افراط و تفریط است.

۳. مذهب حنفی

مذهب حنفی به‌عنوان یکی از مذاهب چندگانه اسلام، «عبارت از آرای امام ابوحنیفه و یاران مجتهد وی در مسائل اجتهادی فرعی و تخریجات علمای بزرگ پیروی آنان، مبتنی بر قواعد و اصول آن‌ها و یا قیاس بر مسائل و فروع آن‌ها می‌باشد» (النقیب، ۲۰۰۱: ۱/۳۷). این مذهب در روش و منش خود، با توجه به آیات قرآنی و احادیث نبوی، حدّ میانه را برگزیده و هم‌واره در قبال تشدّد و تندروی واکنش نشان داده و اعمال خشونت‌بار را نکوهش کرده است. در میان مذاهب فقهی اهل سنت، امام ابوحنیفه دارای عقلانی‌ترین اندیشه حقوقی بوده که به‌نوعی می‌توان گفت تنها اندیش‌مند فقهی است که دیدگاهش را می‌توان با مبادی حقوق جهانی وفق داد و به دیدگاه فقهی‌اش به‌عنوان یک نظریه حقوقی فردینی نگاه کرد. وی که برخاسته از خراسان آن زمان یا کابل امروز بود، در کوفه آغاز به اجتهاد و پایه‌ریزی اساسات حقوقی مذهب‌اش نمود که بعداً توسط شاگردانش و حمایت قدرت حاکم آن زمان به‌ویژه عباسیان، دیدگاه فقهی ابوحنیفه تا حدّی جهان‌شمول یا لاقل در جهان اسلام گسترش یافت (حامد، ۱۳۹۴: /67207/jomhornews.com/fa/article/).

حدّ میانه یا اعتدال در همه شئون زنده‌گی فردی و اجتماعی فرد و در تمام امور حاکم و مورد قبول خردمندان است. مطابق با آنچه اشاره شد، اصول و مبانی مذهب امام ابوحنیفه از جمله خردگرایی

(رأی)، بر مبنای میانه‌روی و اعتدال بنا شده است. به سخن دیگر، عالمان و پژوهش‌گران، مذهب امام ابوحنیفه را با دو خصوصیت می‌شناسند: اول عقل‌گرایی و دوم اعتدال و میانه‌روی. این دو ویژگی به اندازه‌ی که در مذهب امام ابوحنیفه جلوه کرده و در تاروپود احکام و دستورهای شرعی آن جای گرفته، در هیچ مذهب دیگری جای نگرفته است. مذهب حنفی با همین دو خصوصیت در جهان شناخته می‌شود. ما این دو ویژگی را در این مقاله بررسی می‌کنیم. اول: عقل‌گرایی (رأی) مبنای میانه‌روی؛ و دوم: میانه‌روی نیاز جامعه بشری.

۳-۱. عقل‌گرایی (رأی) مبنای میانه‌روی

میانه‌روی و اعتدال نه تنها این که از دیدگاه اسلام به صورت کلی و از منظر احناف به گونه خاص، قلمرو وسیعی دارد و در همه جا به عنوان جزو لاینفک سنت اسلام و خلل‌ناپذیر مطرح می‌شود، بل که جزئی‌ترین تا مهم‌ترین موضوعات ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و عقیده‌وی را در بر می‌گیرد. مذهب پُرافتخار احناف، که اعتدال و میانه‌روی را مبنای عمل کرد خویش قرار داده است، توانسته بسیاری از خودکامه‌گی‌ها را در نطفه نابود کند و خطامشی پایداری را پیش روی همه پیروان خود قرار داده و از افراطیت به گونه نسبی در میان پیروان خویش، جلوگیری کند. این روش که مبتنی بر عقل‌گرایی است، مشخصه مذهب حنفی به شمار می‌رود.

عقل‌گرایی حنفیت، که جدال علمی و نظری میان گروه‌های مختلف بود و مخالفان آن طبقات تندرو امروز را تشکیل می‌دهد، تاریخی کهن دارد. این جدال که به «رأی» یا «نظر» معروف است، از لحاظ تاریخی از زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه و سلم شروع می‌شود؛ آن‌گاه که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه و سلم فرمودند:

نماز عصر خوانده نمی‌شود؛ مگر در بنی قریظه، که در آن هنگام صحابه با برداشت‌های متفاوت از این امر به دو گروه تقسیم شدند. هر چند در میان صحابه تعداد زیاد به کثرت رأی مشهور بودند؛ مانند حضرت عمر، حضرت علی و ابن مسعود رضی‌الله‌تعالی‌عنهم؛ البته در این هنگام منظور از رأی، رأی مقبول بود (به نقل از: حوی، ۲۰۰۲: ۲۵)

چنان که پیامبر صلی‌الله‌علیه و سلم فرمودند: «هنگامی که حاکم در حکم خویش اجتهاد کند و در آن به حقیقت برسد، برای وی دو پاداش است و اگر اجتهاد کرد و به خطا رفت، برای وی یک پاداش است»^۲ (الجدی، ۱۹۶۶: ۱۴۶). در زمینه اجتهاد به رأی، این داستان بسیار مشهور است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه و سلم هنگامی که معاذ بن جبل را به یمن می‌فرستاد از او پرسید: در آن جا چه گونه حکم می‌کنی؟ گفت: مطابق کتاب خدا. فرمود اگر حکم را در کتاب خدا نیافتی چه گونه حکم می‌کنی؟

^۲ «إذا حکم الحاکم فاجتهد فأصاب فله اجران و إذا اجتهد فأخطأ فله اجر»

گفت: از سنت پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم استفاده می کنم. فرمود اگر در سنت پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم نیافتی چه خواهی کرد؟ گفت: با رأی خود اجتهاد می کند؛ یعنی فکر و ذوق و سلیقه خودم را به کار می اندازم.

اجتهاد به رأی در عصر خلفای راشدین بر اصل علل احکام و مراعات مصلحت استوار بود و فقهای این دوره به دو گروه تقسیم می شدند: گروه نخست جای گاهی برای رأی به جز موارد اندک نمی دیدند؛ اما گروه دومی هرگاه ضرورت می بود به رأی متوسل می شدند و از همان زمان علمای حجاز و مدینه بیش تر به ظاهر آیات و احادیث توجه داشته و به عدم ضرورت رأی استناد می کردند؛ درحالی که علمای عراق رأی را یک ضرورت دانسته و بر معانی و دلالت های آیات و احادیث توجه بیش تر داشتند. این امر سبب شد تا علما به دو گروه اهل حدیث و اهل رأی تقسیم شوند که اکنون به نام مکتب "اهل حدیث" و مکتب "اهل رأی" معروف اند؛ باین حال، اختلاف اساسی میان این دو مکتب در دو مورد است: اول، استفاده از رأی: اهل حدیث به نصوص، آثار و معانی متبادر آن اکتفا می کنند و به جز از حالات اضطرار به استفاده از رأی میلی ندارند؛ اما اهل رأی در صورت نبود نص، اعم از آیات و روایات به رأی متوسل می شوند و براساس آن فتوا می دهند و دلیل آن ها هم این است، که احکام شرعی معقول المعنی است و مصالح بنده گان را در بر دارد. دوم، تفریح مسائل مبتنی بر رأی: فقیهان اهل حدیث، مسائل را به فروع تقسیم نمی کنند و وقایع را فرض نمی کنند، تا این که بعداً در پی احکام آن ها باشند؛ از این رو، فقه آن ها بر واقعیات استوار است و در مورد آن چه در نص و آثار وجود نداشته باشد، فتوا نمی دهند؛ درحالی که فقیهان اهل رأی به مسائل واقع اکتفا نمی کنند، بل که مسائل را که تا هنوز واقع نشده است، فرض می گیرند و برای آن ها احکامی را بر اساس رأی خویش استخراج می کنند (زیدان، ۲۰۰۱: ۱۳۶).

حضرت عمر^(رض) در زمان خلافت خویش شریح را به عنوان قاضی به کوفه منصوب کرد. به وی

فرمود:

آن چه توانایی داری در حل مسائل از کتاب خدا مدد بجو و از هیچ کس سوال نکن و اگر در کتاب خدا برای تو واضح و روشن نبود، از سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم پیروی کن و اگر در سنت نیز بر تو واضح نبود، به رأی خویش اجتهاد کن (الجندی، ۱۹۶۶: ۱۳۸).

عبدالله بن مسعود در مورد زنی که شوهرش قبل از جماع وفات کرده بود، در مورد مهریه آن این گونه فتوا داد که: مهریه آن فرض است و مانند سایر زنان، مهریه وی باید داده شود و اضافه کرد: «اگر درست باشد از جانب خداوند است و اگر اشتباه باشد از جانب من و شیطان است و خداوند و پیامبرش صلی الله علیه و سلم از آن بری اند» (الجندی، ۱۹۶۶: ۱۳۸)؛ بنابراین، در میان اصحاب کرام این دو بزرگوار حضرت (عمر و عبدالله بن مسعود^{رضی الله عنهما}) زعمای رأی محسوب می شوند.

در عصر تابعین که به عصر صغار صحابه و کبار تابعین معروف است، بنابر گسترش اسلام و استنادهای گونه‌گون به احادیث، مکتب «رأی» نیز گسترش یافت. در این عصر که به وضوح مکاتب «حدیث» و «رأی» ظهور کرد، هر یک از آن‌ها در منطقه‌ی خاص گسترش یافت؛ چنان‌که مدرسه حدیث به سرکرده‌گی سعید بن المسیب (ف ۹۸ هـ) در مدینه رشد و ادامه یافت و در کوفه مدرسه رأی به رهبری ابراهیم النخعی (ف ۷۹ هـ)، گسترش پیدا کرد. در واقع این دوره مرحله نضج و پخته‌گی فقه اسلامی است، که مکتب رأی در خلال حوادث و موضوعات بدیع، به دلیل کم‌بود نصوص، با استفاده از قیاس، استحسان و استصلاح، جای‌گاه منحصر به خود را پیدا کرد (حوی، ۲۰۰۲: ۲۶).

سلسله‌مراتب اصحاب رأی در کوفه از بالا به پایین عبارت است از: عبدالله بن مسعود، صحابی جلیل‌القدر که حضرت عمر (رض) در هنگام فرستادن وی به‌عنوان وزیر به کوفه، برای اهل کوفه نوشت: «ای اهل کوفه! عمار را به‌عنوان امیر و ابن مسعود را به‌عنوان وزیر و معلّم به‌سوی شما فرستادم، و آن دو از نجّیای اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و‌سَلّم از اهل بدر اند، به آن دو اقتدا کنید، و شما را به عبدالله نسبت به خود ترجیح دادم» (الشیبانی، ۲۰۰۸: ۶/۱). عبدالله بن مسعود ششمین مسلمان روی زمین و صاحب سرّ و سفر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و‌سَلّم بود. ابن مسعود می‌گفت: به خدایی که جز او کسی نیست، سوره و آیه‌ی نازل نشده، مگر این که من می‌دانم در مورد چه نازل شده است. حاکم از عبدالله روایت می‌کند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و‌سَلّم فرمودند: «برای اُمّت به آن چه ابن امّ عبد [عبدالله بن مسعود] راضی باشد، راضی‌ام» (الشیبانی، ۲۰۰۸: ۷/۱). حضرت عمر همان طوری که نقشه شهر کوفه را اساس گذاشت، با فرستادن ابن مسعود، علم را نیز در این شهر بذر نمود. ابن مسعود پانزده سال در این شهر به تدریس و تعلیم کتاب‌الله و سنّت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌و‌سَلّم به اهل کوفه پرداخت؛ تا این که شکوفه‌هایی از قاریان و حافظان قرآن کریم، فقیهان و محدثان شکفت و تعداد آن‌ها به هزاران نفر می‌رسید؛ البته اصحاب دیگری هم در این شهر حضور داشتند؛ مانند سعد بن ابی وقاص، حذیفه، عمار، سلمان، ابو موسی و...؛ حتا وقتی حضرت علی به این شهر آمد و کثرت عالمان و فقیهان را دید، گفت: خداوند ابن امّ عبد را رحمت کند. این شهر را مملو از علم کرده است. حضرت علی (رض) راه ابن مسعود را ادامه داد تا این که در زمان خلافت وی ضمن این که کوفه پایتخت خلافت قرار گرفت، مهد علوم عربی، حدیث و فقه نیز شد. علقمه بن قیس النخعی شاگرد ارشد ابن مسعود، ابراهیم النخعی فقیه اهل عراق و شاگرد علقمه، حماد بن ابی سلیمان استاد ابوحنیفه فقیه اهل عراق و شاگرد نخعی و ابوحنیفه امام اهل رأی شاگرد حماد بن ابی سلیمان (الشیبانی، ۲۰۰۸: ۷/۱) ... ابوحنیفه با آن چه عقل او حکم می‌نمود مبتنی بر رأی خویش اجتهاد می‌کرد؛ چنان که بسیاری از اصحاب بزرگ این

کار را کردند و این اجتهاد براساس اصول عام اسلام، مانند فرموده خداوند: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»^۳ (البقره: ۲۵۶)؛ و «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»^۴ (انعام: ۱۶۴)؛ و فرموده پیامبر صلی الله علیه و سلم: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»^۵، و «دع ما یریبک»^۶، و «أدرءوا الحدود عن المسلمین ما استطعتم فان کان له مخرج فخلوا سبیله فان الامام ان یخطئ فی العفو خیر من یخطئ فی العقوبه»^۷؛ و هم چنین «اذا امر بأمر فأتوا منه ما استطعتم»^۸، و یا سایر قواعد از این قبیل استوار بوده است (به نقل از: الجندی، ۱۹۶۶: ۱۴۵).

رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «یاران من مانند ستاره گان اند، به هر یک از آنان که اقتدا کنید، هدایت می شود» (ابن قییم، بی تا: <https://lib.efatwa.ir/44449/2/171>)؛ چنان که یکی از آنان چیزی در رأی خویش می پنداشت و آیات قرآن کریم به موافقت آن نازل می شد؛ همان گونه که حضرت عمر در مورد اسیران بدر به گردن زدن آن ها رأی داد (انفال: ۶۷)؛ و قرآن کریم به موافقت آن نازل شد؛ هم چنین آیاتی از قرآن کریم مطابق با نظر وی در مورد حجاب زنان پیامبر صلی الله علیه و سلم نازل شد (احزاب: ۳۳ و ۵۳)؛ و گفت که عبدالله ابن ابی منافق است (توبه: ۸۴) و آیات قرآن کریم موافق با این سخن نازل شد (القاسمی، ۱۳۹۴: ۵-۹). موافقات حضرت عمر (رض) با قرآن کریم و وحی به بیش تر از ده مورد می رسد (الجندی، ۱۹۶۶: ۱۴۴).

محمد بن شجاع الثلجی می گوید:

از اسماعیل بن حماد بن ابی حنیفه شنیدم که گفت: ابوحنیفه گفته است: این رأی است که ما بر آن هستیم، هیچ کس را بر آن مجبور نمی کنیم؛ و نه می گوئیم قبول آن واجب است؛ و هر کس از آن چیز به تر دارد، پس بیاورد. حس بن زیاد اللؤلؤی می گوید، ابوحنیفه گفت: علم ما همین رأی است و به ترین چیزی است که بر آن حاکم شده ایم، و هر کس به تر از آن را بیاورد از آن می پذیریم. عبدالرزاق می گوید از عبدالله بن مبارک شنیدم که می گفت: اگر برای یک نفر سزاوار باشد که براساس رأی خویش سخن گوید، پس ابوحنیفه همان کسی است که سزاوار سخن گفتن به رأی خویش است. سفیان بن عیینه می گوید: دو چیز را فکر نمی کردم که از دایره کوفه بیرون شود، اما آفاق را در نوردید: قرائت حمزه و رأی ابوحنیفه (به نقل از: البغدادی، ۲۰۰۱: ۵ / ۴۷۱-۴۷۵).

^۳ در دین اجباری نیست.

^۴ هیچ کس گناه دیگری را به دوش نمی کشد.

^۵ در دین اسلام نه می شود به خود ضرر وارد نمود و نه به دیگران ضرر وارد ساخت.

^۶ آن چه تو را به شک می اندازد، کنار بگذار.

^۷ تا می توانی حد را از مسلمانان دفع کنی. اگر راهی برای دفع حد وجود دارد، او [متهم] را رها کنی؛ چرا که اگر امام در عفو کسی اشتباه کند، به تر است از این که

در عقوبت کسی اشتباه کند.

^۸ هنگامی که به امری مأمور می شوی، به حد توان انجام دهی.

^۹ «اصحابی کنجوم بأیهم اقتدیتم اهتدیتم».

روی هم‌رفته در مذهب امام ابوحنیفه، اصول دیگری به‌عنوان ممیّزات این مذهب نیز به میان آمد. این ممیّزات که نشان از اعتدال و میانه‌روی دارد، ذهن هر انسان را به‌سوی خود جلب می‌کند. از سوی دیگر، ممیّزات مذهب حنفی کاملاً در تقابل با تشدّد و تندروی‌های حاکم بر جامعه می‌باشد. تندروی‌هایی که نام اسلام را خدشه‌دار کرده و از دین مقدّس اسلام که خداوند در مورد آن فرمود: «و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زبان کاران است» (آل عمران: ۸۵). در ادامه به تعدادی از ممیّزات مذهب احناف که نشان از میانه‌روی و اعتدال دارد، اشاره می‌شود:

۳-۲. آسان‌گیری در عبادات و معاملات

مثلاً امام ابوحنیفه می‌گوید: هرگاه انسان در یک شب تاریک خواست نماز بخواند و «تعیین قبله» بر وی مشتبه شود و بعد از تلاش و کوشش برای یافتن قبله، رو به غیر جهت قبله بخواند، نمازش صحیح است؛ اگرچه بعداً معلوم شود که در این اجتهاد خود به خطا رفته بوده است. در مورد بیع معاملات ابوحنیفه به طرفین بیع چیزی که مشتری آن را ندیده باشد، در زمان دیدن به امضا یا فسخ آن جواز می‌دهد؛ و در این مورد روایت می‌کند که رسول الله صلی‌الله‌علیه و سلم فرمودند: «من اشتری شیئاً لم یره فهو بالخیار إذا رآه؛ آن‌شاء آخذ، و إن شاء ترکه / هرگاه فردی چیزی را خرید و آن را ندیده باشد در هنگام دیدن اختیار دارد این‌که بردارد یا رد کند» (شرباصی، ۱۳۹۲: ۳۹).

۳-۳. رعایت حال فقیر و ضعیف در زکات و صدقات

برای مثال، امام گوید: زکات از زیورآلات طلاونقره را واجب می‌داند، تا از این راه برای فقیران گشایش حاصل شود و به‌نظر او اگر کسی آن‌قدر بدهی داشته باشد، که بدهی او به اندازه همه مالش باشد، زکات بر او واجب نیست، که بدون شک، این به نفع بده‌کار است و کار او را آسان می‌کند.

۳-۴. صحیح دانستن تصرفات انسان تا حدّ الامکان

مثلاً، ابوحنیفه گوید: اسلام آوردن کودک عاقلی که به حدّ رشد نرسیده است، همانند اسلام آوردن بزرگان صحیح و معتبر است؛ مانند حضرت علی (رض) که به عمر ده‌ساله‌گی اسلام آورد و هم‌چنین، برای وصی‌یی که سرپرستی مال یتیم را به عهده دارد، جایز می‌داند که در مال او تجارت کند.

۳-۵. رعایت حرمت و کرامت انسانی

برای مثال، امام برآن است: ولیّ زن بالغ و رشید بر او سلطه‌یی ندارد، که وی را به ازدواج هر کس که خود دوست دارد، در آورد؛ زیرا چنین زنی، به‌نظر او، حق دارد که خود مستقیم در عقد ازدواج خود

دست داشته باشد و این عقد صحیح است؛ و به نظر او، اگر مردی دختر بالغ خود را به عقد کسی درآورد و دختر از آن ازدواج ناراضی بوده و آن را دوست نداشته باشد، این عقد ازدواج صحیح نیست (شرباصی، ۱۳۹۲: ۳۹).

۳-۶. تجلی سیادت و سروری دولت در امام مسلمانان

امام ابوحنیفه سیادت و سروری را از جمله حقوق و اختیارات امام، یعنی حاکم شرعی، قرارداد که در آن چه مسلمانان از سرزمین‌های فتح شده به غنیمت می‌گیرند، برحسب اقتضای مصلحت، تصرف کند؛ و نیز از حقوق اختیارات امام می‌داند این را که به هر وسیله مفیدی که صلاح می‌داند، مجاهدان را بر جنگ تشویق و تحریض کند؛ مانند این که سهم معینی از مال را به کسی بدهد، که در پیکار، کار معینی را انجام می‌دهد و بدان وسیله به پیروزی مسلمانان کمک می‌کند (غاوجی، ۱۹۹۳: ۱۵۶).

بایرویی از وسطیت یا میانه‌روی بود که مذهب حنفی در زمان دولت‌های عباسی و عثمانی، از آن جایی که مذهب رسمی بود، بیش‌ترین گسترش را یافت؛ مانند سرزمین‌های: عراق، شام، شمرق اروپا (بلغارستان، یونان، یوگسلاوی، آلبانی)، کشورهای شبه قاره هند، افغانستان، آسیای میانه (ماوراءالنهر) مصر، حجاز، و...، که تحت سلطه دولت عباسی و عثمانی بودند، از همان زمان تاکنون مذهب حنفی جای‌گاه چشم‌گیری در این سرزمین‌ها دارد؛ درحال حاضر نیز این مذهب از گسترش دوام‌داری در سطح جهان برخوردار است.

۴. میانه‌روی نیاز جامعه بشری

در هر جامعه‌یی که تساهل و مدارا وجود نداشته باشد، بدون شک خودخواهی‌ها، خودبینی‌ها و تک‌روی‌ها بیش‌تر رشد خواهد کرد. در جوامع خودفرورفته و دُچار معلولیتِ اعتدال، هم‌واره بی‌بندوباری‌ها، هرج‌ومرج حکم‌فرما است. بی‌عدالتی‌ها و عدم منش خردمندانه همیشه مبنای ایجاد و بروز گروه‌های افراطی گردیده است. به سخن دیگر، نبود عدالت اجتماعی و میانه‌روی، عامل اساسی افراطیت و تندروی محسوب می‌شود؛ از این رو، جامعه انسانی در قدم نخست نیازمند میانه‌روی افراد ساکن در خود است؛ چنان که شواهد تاریخی نشان می‌دهد، عدم میانه‌روی سبب شده افراطیت به مفهوم عام آن، صرف نظر از زمان خاص، مکان مشخص و یا آیین معین، به میان آید و عامل جنگ‌های ناگواری گردد، که تلفات هنگفتی را به جامعه بشری به بار آورده است.

مذهب حنفی با درک جامعه‌شناختی موضوعات، همیشه جهت اعتدال را در نظر داشته و حدّ وسط را مبنای منش خویش قرار داده است؛ چنان که برخورد عاقلانه امام اعظم با گروه خوارج (ابی‌الوفاء، ۱۳۳۲: ۴۷۷)، یعنی تندروان زمان کاملاً نشان از عدالت و وسطیت رفتار و گفتار امام دارد (ابو زهره،

۱۹۴۷: ۲۹). خوارج در زمان ابوحنیفه در اوج فعالیت‌های‌شان قرار داشتند و با ترویج اندیشه‌های تکفیری، فتنه‌ها و آشوب‌ها برپا می‌کردند و بر آتش اختلافات داخلی میان مسلمانان هیزم می‌ریختند. ابوحنیفه به‌عنوان پیشوای فقیهان ناگزیر شد که راجع به این اندیشه‌ها موضع‌گیری کند و با آن‌ها در تقابل قرار بگیرد و به بازتعریف ایمان پردازد و خط فکری ویژه خود را روشن کند. عمده مناظرات علمی ابوحنیفه با خوارج صورت گرفته و به همین دلیل، یکی از فرقه‌هایی که طعن و تشنیع فراوان در حق ابوحنیفه روا داشته، فرقه خوارج است.

امام ابوحنیفه همیشه مطابق احکام آیات و احادیث سخن می‌گفت. همیشه خرد و عقل‌باوری را مدنظر داشت و مطابق با آن چه خود و سپس شاگردانش آسب‌شناسی می‌کرد، نیاز جامعه را در نظر داشت. موردی که هیچ‌گاه از میان نمی‌رود؛ بل که مبتنی بر مقتضای زیست انسانی، نیاز جامعه نیز متفاوت می‌باشد.

اعتدال در استنباط احکام، نیاز جامعه اسلامی است. به‌نظر نویسنده کتاب «لوسیطه فی الاسلام»، اعتدال در استنباط احکام نیز نقش اساسی دارد. نویسنده این کتاب با تعیین ضوابط و درنظرگرفتن موارد استثنایی می‌گوید که ما می‌توانیم از این قاعده در ابواب فقه کمک بگیریم؛ به سخن دیگر، اعتدال نیاز استنباط احکام جامعه بشری است. این ضوابط شش تا هستند، بدین شرح:

۱. اعتدال در چهارچوب کلیات اسلامی و براساس روح اسلام باشد؛
 ۲. با ضروریات دین مغایرت نداشته باشد؛
 ۳. اسلام در آن مسأله، موضع خاصی از قبیل سخت‌گیری یا آسان‌گیری نداشته باشد و معتقد به زیاده و نقصان در آن نباشد؛ مثلاً لزوم چهار شاهد برای اثبات زنا یا یک شاهد برای اثبات برخی موارد خاص؛
 ۴. در امور منصوصه نباشد؛
 ۵. به مفسده و خطر بزرگ‌تری منجر نشود؛
 ۶. در موارد دایمی و امور مستمر باشد، نه کوتاه‌مدت و ضربتی (اسلامی، ۱۳۷۴: ۲۰۳).
- در همایش بین‌المللی علمی - تحقیقی امام ابوحنیفه، که در اواخر ماه جوزای سال ۱۳۹۸ در کابل برگزار شد و صدها تن از علمای جید افغانستان و جهان در آن اشتراک کرده بودند، به وضاحت بیان شده که افکار تندروانه و تکفیری در اذهان برخی شهروندان افغانستان رخنه کرده؛ امری که با خردگرایی و اعتدال‌طلبی امام اعظم فاصله دارد؛ هم‌چنین در همایش ترویج اندیشه‌ها و افکار امام ابوحنیفه را اثرگذارترین روش مبارزه با افراط‌گرایی دینی در افغانستان و جهان یاد کردند. هم‌چنین در این همایش به وضوح بیان شده که این مسؤولیت برزگ و تاریخی علمای احناف است که سنت فکری و فقهی ابوحنیفه را احیا و ترویج دهند و ویژه‌گی‌های بی‌مانندی چون میانه‌روی، مدارا و

خردگرایی را به عنوان لوازم باور به اصول مکتب فقهی و اندیشه کلامی ابوحنیفه و بنیان‌های اصلی تفکر و تدبیر حنفی، بار دیگر مطرح سازند (موسوی، ۱۳۹۸: <http://www.jomhornews.com/fa/note/117561/>).

در حال حاضر، یکی دیگر از نیازهای هر جامعه انسانی، پذیرش تنوع فرهنگی است. قبول این اصل خود عامل تشددزدایی به شمار می‌رود. حنفیت نسبت به هر مذهب دیگری به اصل تنوع فرهنگی باور دارد؛ به سخن دیگر، نحوه نگاه مذهب امام ابوحنیفه را به تنوع فرهنگی در هیچ جایی نمی‌توان آشکارتر از نگاه این مذهب به مسأله زبان پیدا کرد.

در سال‌هایی که اوج استیلای اعراب بود و حتا گروه‌هایی احادیث جعلی در مذمت زبان فارسی می‌ساختند و آن را زبان اهل جهنم می‌خواندند، امام ابوحنیفه می‌آمد و هزار اتهام را به جان خریده گفت: نماز خواندن به زبان فارسی روا است. دیگری می‌آمد و چند قدم پیش‌تر می‌گذاشت و زبان فارسی را زبان انبیا و اولیا می‌خواند (ثاقب، ۱۳۹۷: www.bbc.com/persian/afghanistan-46930704).
شاهرخ مسکوب می‌نویسد وقتی امیر سید مظفر ابوصالح منصور بن نوح بن احمد بن اسماعیل سامانی خواست تفسیر طبری را از عربی به فارسی ترجمه کند، از علمای ماوراءالنهر استفتاء کرد که آیا ترجمه قرآن به زبان فارسی درست است، یا خیر؟ در همین حال، جالب این‌جا پاسخ علمای خراسان و ماوراءالنهر است که نشان‌دهنده نحوه نگاه شان به فرهنگ‌های ملی می‌باشد. علمای خراسان و ماوراءالنهر در پاسخ استفتای امیر فرمودند: «گفتند روا باشد خواندن و نبستن تفسیر قرآن به پارسی مر آن کس را که تازی نداند». از قول خدای عزوجل که گفت: «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه» (ابراهیم: ۴). گفت: من هیچ پیغام‌بری نفرستادم مگر به زبان قوم او و آن زبانی که ایشان بدانستند؛ از روزگار آدم تا روزگار اسماعیل پیغام‌بر^(ص)، همه پیغام‌بران و ملوکان زمین به پارسی سخن گفتند؛ و اول کسی که سخن گفت به زبان تازی، اسماعیل پیغام‌بر بود و پیغام‌بر ما از عرب بیرون آمد و این قرآن به زبان عرب بر او فرستادند؛ و این‌جا بدین ناحیت، زبان پارسی و ملوکان این جانب، ملوک عجم اند (ثاقب، ۱۳۹۷: www.bbc.com/persian/afghanistan-4693070).

سعه صدر و وسعت نگاه احناف سبب می‌شود تعدادی تنها راه مبارزه با افراط‌گرایی، تشدد و تندروی را، تقویت حنفیت بدانند. حفیظ منصور، یکی از جمله کسانی است که به تقویت مذهب حنفی معتقد است. به باور وی: «به جدیت می‌توان گفت، تقویت مذهب حنفی، تنها راه مقابله با اندیشه‌های سلفی است؛ زیرا پاسخ مناسب در برابر تندروی و نص‌گرایی، میانه‌روی و مقصدگرایی است» (منصور، ۱۳۹۵: www.payam-aftab.com/fa/doc/news/58321/). اگر قرار باشد در سطح افغانستان به مقابله با پدیده تکفیر و افراط‌گرایی دینی پردازند، به نظر می‌رسد یکی از راه‌کارها، عبارت از احیای اسلام سنتی با بازگشت به حنفیت اصیل خواهد بود. به نظر عده‌یی، سنت حنفی ظرفیت مهار این جریان را

دارد؛ در پهلوی این که به جهت بومی بودن به آسانی می‌تواند مورد پذیرش مردم قرار بگیرد و مناقشه و حساسیتی برنینگیزد (موحد، ۱۳۹۷: ۳۹۷؛ www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-46632393)؛ تعداد دیگری به این فکر اند که تندروی و تشدد در اندیشه حنفیت سنخیت ندارد؛ بل که همه افراطیت‌ها و تندروی‌ها محصول اندیشه بیگانه و بیرونی‌اند، که در جوامع حنفی مذهب رسوخ کرده است؛ زیرا امام ابوحنیفه از مهد تمدن بزرگ است، که در آن تمدن وحشت و دهشت جای نداشته است (حنانی، ۲۰۱۸: <https://taqwa.no/php/29-09-21-30-08-2018.html>).

اعتدال بر همه زنده‌گانی مسلمانان حاکم است و این اُمت وسط باید بر دیگر اُمت‌ها شاهد باشد. اعتدال در همه اصول و فروع اسلام، چه عبادیات و چه اجتماعیات، رعایت شده است. رعایت توازن در امور معاد و معانی بارزترین جلوه اعتدال در اسلام است. اعتدال در اسلام قاعده است و سخت‌گیری یا آسان‌گیری در برخی از احکام و موارد استثنا است. هرگونه افراط و تفریط، غلو یا تساهل، عقلاً و شرعاً ممنوع و از روح اسلامی و منطق انسانی سلیم به دور است. سرانجام اعتدال، توازن در وجود و خودیابی مسلمانان و حفظ خویش از آفت افراط و تفریط است (اسلامی، ۱۳۷۴: ۲۰۴)؛ بنابراین، راه‌کار از میان بردن تشدد و تندروی‌های موجود، پای‌بندی به اصول ناب مذهب حنفی است و حنفیت سال‌ها در قبال افراطیت، تندروی و تشدد مبارزه کرده است و هم‌چنان در راه تثبیت احکام الهی و پایدارنگه داشتن شریعت اسلام، با انواع خردگریزی و تندروی مقابله می‌کند.

۵. مناقشه

در مورد روی کرد امام ابوحنیفه در قبال اعتدال و میانه‌روی، در عین این که غالباً وی را متعادل و میانه‌رو می‌خوانند، روایت‌های متفاوت دیگری نیز مطرح است؛ اما صرف نظر از این که این روایت‌ها بیش‌تر از سوی مخالفان فقهی و سیاسی امام ابوحنیفه مطرح شده است، گروه‌های چندی از پیروان این مذهب نسبت به هر کس دیگر بیش‌ترین صدمه را به اعتدال‌خواهی امام ابوحنیفه وارد نموده است؛ زیرا امروز بیش‌تر از این که عده‌یی از پیروان این مذهب روی کرد واقعی امام ابوحنیفه را در قبال اعتدال و میانه‌روی اتخاذ نمایند، از این مسیر منحرف شده و نام حنفیت را با گروه‌های تندرو و افراطی عجین کرده‌اند، که هیچ منزلت در میان اهل واقعی مذهب احناف ندارد. شاید بتوان گفت یکی از دلایل این چنددسته‌گی، گسترده‌گی پیروان و نبود مرجع معین برای ترسیم دیدگاه‌ها و روی کرد امام ابوحنیفه در قبال مسائل و موضوعات جامعه بشری است. مسأله‌یی که ایجاد و وجود آن دشوار می‌نماید و هر گروه خود را پیرو واقعی حنفیت دانسته و سایر گروه‌ها را به انحراف از رهنمودهای مذهب حنفی متهم می‌سازد.

۶. نتیجه گیری

حنفیت، مذهب دیرینه جهان اسلام است؛ از همان ابتدای رشد و توسعه بر وفق نیاز جامعه بشری حرکت کرد و از مبانی و اساسات پایدار در جهت حفظ ارزش‌های انسانی - اسلامی بهره‌مند می‌باشد. استفاده از «رأی» در این مذهب به‌عنوان یک اصل پذیرفته‌شده و در مواردی که نصّ وجود نداشته باشد به آن استناد می‌کنند. رأی که مطابق خردگرایی و عقل سلیم انسان باشد، راه به خطا نمی‌برد؛ بل که همواره راه‌نما و هدایت‌گر انسان در راه رسیدن به مدارج عالی انسانی - اسلامی است. استفاده از «رأی» در مذهب احناف نشان از میانه‌روی و اعتدال در تمام موضوعات فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و موارد دیگر دارد؛ از این رو، «رأی» مبنای میانه‌روی تلقی می‌شود و در تقابل با تندروی و تشدد قرار می‌گیرد. مقتضای جامعه انسانی نیز ایجاب می‌کند تا نیازهای فردی و جمعی انسان‌ها در قالب اعتدال و میانه‌روی برآورده شود؛ در عوض، تندروی و تشدد، به‌عبارت‌تاریخ افراطیت نه تنها این که پاسخ‌گوی نیازهای جامعه بشری نیست؛ بل که تضادها و منازعات میان فرقه‌یی، مذهبی و آیینی را بیش‌تر می‌سازد.

مذهب حنفی به‌عنوان مذهب دارای بیش‌ترین پیروان در میان مذاهب دیگر اسلامی، با تندروی و تشدد سرسازگاری ندارد؛ بل که همواره در برابر دیدگاه‌های افراطی اعم از خوارج و داعش و یا حتی گروه‌های افراطی زیرمجموعه خویش مبارزه کرده و اعمال آن‌ها را باطل خوانده است؛ از همین رو است که در حال حاضر به عقیده بسیاری از نویسندگان و اندیشه‌مندان، بازسازی حنفیت اصیل و دیدگاه‌های ناب این مذهب، به‌عنوان تنها راه بیرون‌رفت و مقابله با باورهای تندروی، تشدد و افراطیت خوانده می‌شود. این موقف احناف چه در حال و چه در گذشته، تغییر نکرده است؛ بل که مبارزه با تندروی‌ها را وجیبه ایمانی خویش می‌دانند.

ORCID

Fazal Ahmad Ahmadi



<https://orcid.org/0000-0002-2146-319X>

سرچشمه‌ها

۱. قرآن کریم.

۲. ابو زهره، امام محمد. (۱۹۴۷). ابوحنیفه حیاتة، عصره، آرائه و فقه. بیروت - لبنان: دارالفکر العربی.
۳. ابی الوفاء، العلامة الفهامة الشیخ الامام المحدث محی‌الدین ابی محمد عبدالقادر ابن ابی الوفاء محمد بن نصرالله بن سالم بن ابی الوفاء. (۱۳۳۲ ه.ق). الجواهر المضية فی طبقات الحنیفة. الهند - حیدرآباد الدکن. بمطبعة مجلس دائرة المعارف النظامیة الکائیة.

۴. احمدی، فضل‌احمد. (۱۴۰۱). «امام ابوحنیفه (ح) و مبارزه با استبداد سیاسى». هرات: فصل‌نامه علمی - پژوهشی غالب. ۳۹ (۴). صص ۵۷-۷۶. <<https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V39.I4.6>>
۵. اسلامى، سيد حسن. (۱۳۷۴). «تأملى در كتاب الوسطيه فى الاسلام». مجله نقد و نظر. بهار ۱۳۷۴، شماره ۲، صفحات ۲۰۱-۲۱۰.
۶. بغدادى، الامام الحافظ ابوبكر احمد بن على بن ثابت الخطيب. (۲۰۰۱). *تاريخ مدينه السلام*. (تاريخ بغداد) الجزء الخامس عشر. حقه، ضبط نصه و علق عليه، بشار عواد معروف. الطبعة الاولى. بيروت - لبنان: دارالغرب الاسلامى.
۷. الجندى، عبدالحليم. (۱۹۶۶). *ابوحنيفه بطل الحريه و التسامح فى الاسلام*. القايره - مصر: دارالمعارف.
۸. حوى، احمد سعيد. (۲۰۰۲). *المدخل إلى مذهب الإمام أبى حنيفة النعمان* (ح). المملكة العربية السعودية - جدة: دارالاندلس الخضراء.
۹. زيدان، عبدالكريم. (۲۰۰۱). *المدخل لدراسه الشريعه الاسلاميه*. اسكندريه - مصر: دار عمرين الخطاب.
۱۰. شرباصى، احمد. (۱۳۹۲). *چهار امام اهل سنت* (تحليل زنده‌گانى و بررسى مذاهب فقهى). ترجمه محمود ابراهيمى. چ دوم. تهران: انتشارات كردستان.
۱۱. الشيبانى، محمد بن حسن. (۲۰۰۸). *كتاب الآثار*. ج الاول. تحقيق: خالد العواد، بيروت - لبنان: دارالنوادر.
۱۲. عبدالباقي، محمد فؤاد. (۱۳۹۱). *اللؤلؤ والمرجان*. مترجم: ابوبكر حسن‌زاده. چ پنجم. تهران: نشر احسان.
۱۳. غاوجى، وهبى سليمان. (۱۹۹۳). *ابوحنيفه النعمان* (امام الاثمه الفقهاء). الطبعة الخامسة. بيروت - لبنان: الناشر دارالقلم.
۱۴. القاسمى، محمد ضياء. (۱۳۹۴). *موافقات حضرت عمر* (ض). مترجم: غلام‌محمد سربازى. بى‌جا.
۱۵. النقيب، احمد بن محمد نصيرالدين. (۲۰۰۱). *المذهب الحنفى*. جزء الاول (مراحل و طبقاته، مصطلحاته و خصائصه و مؤلفاته). الطبعة الاولى. الرياض - السعوديه: مكتبة الرشد.

سایت‌های اینترنتی

۱۶. ابن قيم الجوزيه. (بى‌تا). *اعلام الموقعين*. برداشت: (۲۳ / ۱۲ / ۱۴۰۱). قابل دسترس در: <<https://lib.efatwa.ir/44449/2/171/%D9%88%D9%8E%D8%A3%D9%8E%D9%85%D9%91%D9%8E%D8%A7>>
۱۷. ثاقب، عبدالشهيد. (۳۰ / ۱۰ / ۱۳۹۷). «تنوع فرهنگى؛ خط فاصل حنفيت با سلفيت». برداشت (۱۴ / ۱۲ / ۱۴۰۱). قابل دسترس در: <<http://www.bbc.com/persian/afghanistan-46930704>>

۱۸. حامد، کمال الدین. (۱۳۹۴ / ۰۳ / ۲۸). «نگرشی بر جای گاه میانه روی و اعتدال در اسلام». برداشت (۱۴۰۱ / ۱۲ / ۱۱). قابل دسترس در: <<https://www.jomhornews.com/fa/article/67207>>.
۱۹. حناتی، خلیل الرحمن. (۲۰۱۸ / ۰۸ / ۳۰). «سلفیت و حنفیت». برداشت: (۱۴۰۱ / ۱۲ / ۲۰). قابل دسترس در: <<https://taqwa.no/php/29-09-21-30-08-2018.html>>.
۲۰. منصور، عبدالحفیظ. (۱۳۹۵ / ۸ / ۱۳). «میانه روی به جای افراط گرایی مذهبی». برداشت: (۱۲ / ۱۵ / ۱۴۰۱). قابل دسترس در: <<http://www.payam-afab.com/fa/doc/news/58321>>.
۲۱. موحّد، مهران. (۱۳۹۷/۹/۲۹). «ضرورت احیای حنفیت برای مقابله با جریان تکفیری در افغانستان». برداشت: (۱۴۰۱ / ۱۲ / ۱۸). قابل دسترس در: <<http://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints>> 4663239.
۲۲. موسوی، علی. (۱۳۹۸ / ۳ / ۳۰). «آموزه های امام ابوحنیفه، آماج تکفیر و افراط». برداشت: (۱۴۰۱/۱۲/۲۰). قابل دسترس در: <<http://www.jomhornews.com/fa/note/117561/>>.

References

1. **The Holy Quran**. (Arbic).
2. Abdulbaghi, Mohammad Fouad. (2011). **Pearl and Al Marjan**. Persian translation. Translator: Abu Bakr Hassanzadeh. What is the fifth Tehran: Ehsan Publishing? (Persian).
3. Abi al-Wafa, Allamah al-Fahama al-Sheikh al-Imam al-Muhaddith Muhyiddin Abi Muhammad Abd al-Qadir ibn Abi al-Wafa Muhammad bin Nasrullah bin Salem bin Abi al-Wafa. (1332 AH). **Al-Jawahir al-Madiya in Tabaqat al-Hanifa**. India - Hyderabad-al-Dakkan. Published by Majlis Al-Nazamieh al-Ka'i Encyclopaedia. (Arbic).
4. Abu Zahra, Imam Muhammad. (1947). **Abu Hanifa Hayate, Asra, Arae and Fiqh**. Beirut-Lebanon: Dar al-Fikr al-Arabi. (Arbic).
5. Ahmadi, Fazal Ahmad. (1401). "Imam Abu Hanifa (RA) and the fight against political tyranny". Herat: Ghalib scientific-research quarterly. 39(4). pp. 57-76. <<https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V39.I4.6>>. (Persian).
6. Aljundi, Abdul Halim. (1966). **Abu Hanifah is the hero of the war and tolerance in Islam**. Cairo-Egypt: Dar al-Maarif. (Arbic).
7. Al-Naqeeb, Ahmed bin Muhammad Nasiruddin. (2001). **al-Mazhab al-Hanafi**. The first part (stages and classes, terms, characteristics and components). First edition Al-Riyadh - Al-Saudia: Maktaba Al-Rushd. (Arbic).
8. Al-Qassimi, Mohammad Zia. (2014). **Hazrat Umar's approval**. Translator: Gholam Mohammad Sarbazi. Out of place. (Persian).
9. Al-Shibani, Muhammad bin Hassan. (2008). **Antiquities book**. C. Awal. Research: Khalid Al-Awad, Beirut-Lebanon: Dar al-Wadr. (Arbic).
10. Baghdadi, Imam al-Hafiz Abu Bakr Ahmad bin Ali bin Thabit al-Khatib. (2001). **History of Madinah al-Salam**. (History of Baghdad) part 15 Haqqah, recording the text and commenting on it, the famous Bashar Awad. First edition Beirut-Lebanon: Dar al-Gharb al-Islami. (Arbic).
11. Eslami, Seyyed Hassan. (1374). "A Reflection on the Book of Al-Wasatiyyah in Islam". Criticism magazine. Spring 2014, number 2, pages 201-210. (Persian).
12. Ghaoji, Wehbi Suleiman. (1993). **Abu Hanifah Al-Nu'man (Imam of the Imams of the Jurisprudents)**. Fifth edition. Beirut-Lebanon: Al-Nasher Dar Al-Qalam. (Arbic).

13. Hawi, Ahmed Saeed. (2002). **Introduction to the religion of Imam Abi Hanifa al-Nu'man (RA)**. Kingdom of Saudi Arabia- Jeddah: Dar al-Andalus al-Khadera. (Arbic).
14. Sherbasi, Ahmed. (2012). **Four Sunni imams** (analysis of their lives and examination of jurisprudence). Translated by Mahmoud Ebrahimi. Ch II. Tehran: Kurdistan Publications. (Persian).
15. Zidane, Abdul Karim. (2001). **Introduction to Al-Shari'a al-Islamiyyah**. Alexandria-Egypt: Dar Omar bin al-Khattab. (Arbic).

Websites

16. Hamed, Kamaluddin. (28/03/1394). **"An attitude towards the place of moderation in Islam"**. Harvest (11/12/1401). Available at: <<https://www.jomhome.com/fa/article/67207/>>. (Persian).
17. Hanani, Khalil al-Rahman. (08/30/2018). **"Salafism and Hanafism"**. Collection: (12/20/1401). Available at: <<https://taqwa.no/php/29-09-21-30-08-2018.html>>. (Persian).
18. Ibn Qayyim al-Jawziyya. (Beta). **Aulam al moqaeen**. Collection: (23/12/1401). Available at: <<https://lib.cefatwa.ir/44449/2/171/%D9%88%D9%8E%D8%A3%D9%8E%D9%85%D9%91%D9%8E%D8%A7>>. (Arbic).
19. Mansour, Abdul Hafeez. (13/8/1395). **"Moderation instead of religious extremism"**. Collection: (15/12/1401). Available at: <<http://www.payam-aftab.com/fa/doc/news/58321/>>. (Persian).
20. Mohed, Mehran. (29/9/2017). **"The necessity of revival of Hanafi to deal with Takfiri flow in Afghanistan"**. Collection: (12/18/1401). Available at: <<http://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-46632393>>. (Persian).
21. Mousavi, Ali. (30/ 3/ 2018). **"The teachings of Imam Abu Hanifah, the purpose of takfir and extremism"**. Collection: (12/20/1401). Available at: <<http://www.jomhome.com/fa/note/117561/>>. (Persian).
22. Saqib, Abdul Shaheed. (10/30/1397). **"Cultural diversity; the dividing line between Hanafism and Salafism"**. Harvest (12/14/1401). Available at: <<http://www.bbc.com/persian/afghanistan-46930704>>. (Persian).